

لزوم اصلاح خط فارسی

بقلم آقای اعتصام زاده

- ۱ -

قبل از آنکه علل لزوم اصلاح خط فارسی را ذکر کنم مختصری از تاریخ خط بیان میشود :

ده پانزده سال پیش یکنفر خان ناظر بیسواد را میشناختم که برای نوشتن صورت حساب خود متوسل بیک گونه نقاشی شده بود . مثلاً اگر سه یا چهار نان سنگک خریده بود روی یک ورقه کاغذ سه یا چهار شکل مطولی شبیه بسنگک میکشید . برای تعیین قیمت نیز یک گونه هندسه یا سیاق بسیار ساده اختراع کرده بود : هر یک قران را بایک خط کوچک افقی و هر یک شاهی را بایک خط کوچک عمودی در زیر شکل چیز خریده شده معین میکرد .

یک ضرب المثل فرانسوی گوید : « ضرورت ما در اختراع است » . احتیاج خان ناظر مذکور به ثبت و ضبط محاسبات خود او را واداشته بود الفبای مخصوصی اختراع کند . مشارالیه از این اختراع خود خیلی خوشوقت بود و غالباً بر خود میبالید ولی بیچاره نمیدانست که در اینکار مخترع نیست و تقلید مصریان قدیم را میکند .

در قرون اولیه همینکه نوع بشر داخل دایره تمدن گردید اجداد ما حس نمودند که باید وسیله تبلیغ و کسب اطلاعات شخصی و دولتی را فراهم ساخت . هرگاه کسی میخواست خبر خوش یا بدی را بیک از خویشاوندان یا دوستان غائب خود برساند یکنفر قاصد انتخاب میکرد و بسوی اقوام و احبای خود روانه میداشت .

کورس کبیر بواسطه وسعت فوق العاده مملکت خود بفکر افتاد که

روابط دائمی مابین مرکز مملکت و «ساتراپ» های متعدد خود برقرار نماید و از برکت این احتیاج چاپارخانه بوجود آمد. زیرا کورس در تمام نقاط ایران چاپار خانهای متعدد شبیه بچاپار خانهای امروزی تاسیس نمود تا بوسیله آنها از ساتراپها کسب اخبار نموده و احکام لازمه را بسرعت بمشارالیهم تبلیغ نماید. در عالم قدیم مملکت متمدن بزرگی نیز در سواحل رود نیل تشکیل شده بود و فراعنه مصر خواستند فتوحات و فضائل خود را برای اخلاف خود نقل نمایند: در آن عصر بعضی اشخاص بزیرک شبیه بجان ناظر فوق الذکر وسیله ثبت و ضبط اصوات و اقوال و اسامی و افکار را کشف نمودند و خط «هیروکلیف» را اختراع کردند.

بطوریکه میدانیم خط هیروکلیف که نمونهای متعدد آن در موزه های اروپا موجود است و در سنه ۱۸۲۲ (شامپولین) نام فرانسوی مفتاح و طریقه قرائت و ترجمه آن را کشف نمود کتیباً از عالم محسوسات اخذ شده و اساساً یک قسم نقاشی است. در اینکه نقاشی منبع و منشاء خط است هیچ شکی نیست، زیرا نقاشی قبل از هندسه تولید شده است، همانطوریکه نظم برتر مقدم بوده است.

پس، ازاینکه اولین الفبای عالم از نقاشی اقتباس شده است نباید تعجب کرد. خط هیروکلیف - که بهمین دلیل قدیمترین خط کتیب است - دنیا است - مرکب است از اشکال حیوانات و اشیاء مادی و محسوس. شاید در ابتدا وقتی یک نقاش شکل شیر میکشید مقصودش همان جانور درنده بود همانطوری که خان ناظر مزبور مقصودش از شکل نان سنگک خود نان سنگک بود نه چیز دیگر. ولی بتدریج این نقاشی مقدماتی تبدیل بیک قسم الفبا شد باین ترتیب که وقتی میخواستند کلمه شجاعتر را بیان و تحریر نمایند باز همان شکل شیر را نقش میکردند. همچنین اگر شکل یک درخت میکشیدند مقصود یک درخت بود و اگر میخواستند چندین درخت یعنی جمع کلمه را تحریر نمایند شکل چندین درخت را

پهلوی هم میگذاشتند کم کم این الفب ترقی کرده و دامنه آن بقدری وسعت یافت که تحریر هر مطلبی امکان پذیر شد زیرا برای معنویات و افعال نیز وسیله تحریر ایجاد گردید. مثلاً فعل «راه رفتن» را با دو پای انسان و فعل «دیدن» را با دو چشم و «باد» را با یک بادبان کشتی نشان میدادند. بالاخره معمول شد که یک شکل کلمه همصدای دیگری را نیز نشان بدهد و یاریشۀ یک کلمه یا فقط یک صوت را. پس خط هیروگلیفی مکمل میتواند عین حیوان یا شی را نشان بدهد. یا یکی از صفات متعلق بآن حیوان یا چیز را و یا فقط ریثۀ یک کلمه و یک صوت را تعیین نماید.

چینیان و ایرانیان قدیم نسبت بمصرها از این حیث مزیتی پیدا کردند و آن این بود که از اشکال حیوانات و اشیاء بخطوط افقی و عمودی یعنی اشکال مقدماتی هندسه گذشتند. چینیان عوض اینکه یک کلمه را با چندین شکل حیوانات یا اسباب مختلفه نشان دهند تصمیم گرفتند که هر کلمه زبان خود را با یک شکل هندسی مخصوص بنویسند. این بود که برای چهار هزار کلمه لغات چینی چهار هزار شکل در هم بر هم و تو در تو که تشخیص آنها نهایت اشکال را دارد اختراع کردند. برای اینکه یک نفر چینی با سواد شود و با اصطلاح مالیات لقب میرزائی را داشته باشد باید لااقل ده هزار حرف از این چهار هزار را از حفظ بخواند و بنویسد

خط میخی ایرانیان قدیم که نمونه آن در بیستون و جاهای دیگر موجود است نسبت بخط چینی ترقی جدیدی کرده و هر یک از حروف آن علامت یک مقطع صوت است.

ولی اولین ملتی که الفبای مقطع با حروف جداگانه اختراع کرد فنیقیها بودند که در سواحل شامات زندگی میکردند و چون تاجر و ملاح بودند بیک خط صحیح محتاج گردیده و اولین الفبای حروفی را اختراع نمودند.

در ایران اولین الفبای حروفی که معمول بوده الفبای زنداست که ۴۳ حرف دارد : ۳۰ حرف بیصدا و ۱۳ حرف باصدا (حرف عله) ولی باین وصف ناقص است و مثلاً حرف (ل) ندارد و عوض آن حرف (ر) استعمال میشود و معایب دیگری نیز دارد که شرح آن موجب اطناب خواهد بود .

الفبای کوفی را که احتمال دارد از خط فنیقی اتخاذ شده و اولین نسخه قرآن مجید باین خط نوشته شده است همه می شناسیم و میدانیم که خط نسخ بواسطه خوانا تر بودن خود اورا نسخ نمود و بدین طریق قدیمی بسوی اصلاح خط برداشته شده . خطوط دیگر مثل نستعلیق و شکسته و یاقوت و غیره شاید زیبا تر و بمذاق ایرانیان نزدیکتر باشد، ولی باز همان نواقص خط نسخ را دارد . خط شجری و ابن قبیل خطوط رمزى طبعاً ربطی بموضوع این مقاله ندارند . اما الفباهای متفرقه اروپا : یکی الفبای روسی است که بایونانی شباهتی دارد دیگر خط گوتیک که چندین قرن قبل در فرانسه معمول بوده و تاکنون در زبان آلمانی متداول است و بالاخره خط لاتینی که خوانا ترین و بهترین الفباهاست و همین جهت آلمانیها و روسها باوجود سهولت و خوبی خط خود مصمم شده اند که الفبای لاتین را قبول کنند . در قفقازیه نیز اخیراً خط جدیدی باسم « یگی یول » یعنی « راه نو » اختراع شده و امروز تمام جرائد قفقاز باستندای یک جریده کمونیست باخط یگی یول که از لاتینی اتخاذ شده است چاپ میشوند .

(قسمت مهم این مقاله را جمیع اصلاح خط نظریضیق صفحات بشماره بعد محوّل گردید - آینده)